

## بررسی تحقق فرصت‌های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه در آموزش و پرورش ایران

اسد حجازی<sup>۱</sup>، مریم حسین زاده<sup>۲</sup>

پذیرش: ۹۹/۳/۲۳

دریافت: ۹۹/۱/۲۶

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان تحقق فرصت‌های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ایران بود. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر متخصصان، کارشناسان، سیاست‌گذاران و مسئولان اجرایی وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران و مدیران و کارشناسان دفتر امور آموزش و پرورش سازمان برنامه و بودجه کشور بودند. با توجه به هدف اصلی پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، که مستلزم مشورت با افراد مطلع بوده تا آنها موارد مناسب تحقیق را معرفی نمایند، این تعداد شامل ۱۵ نفر شده که علت آن رسیدن به اشباع اطلاعات بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. یافته‌های جمع‌آوری شده از طریق روش استقرایی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که در تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف، رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف، توزیع نامساوی نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف و در منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف ناکارآمدی وجود دارد. از اینرو فرصت‌های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کشور در شاخص‌های یادشده تحقق نیافته است.

**کلید واژه‌ها:** فرصت‌های برابر یادگیری، فاصله طبقاتی، قانون برنامه پنجم توسعه کشور، آموزش و پرورش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول، azer1۳۸۳@yahoo.com  
۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

آموزش و پرورش را می‌توان الگوی کلی نهادها و مؤسسات موجود در جامعه قلمداد نموده، که می‌توان رشد و توسعه جوامع را در گرو رشد و توسعه آن ممکن دانست. آموزش و پرورش به معنای گسترده با هزاران مدیر و معلم سرو کار دارد و در سوی دیگر میلیون‌ها دانش آموز را در بر می‌گیرد و به مثابه مهمترین و گسترده‌ترین پایه‌های انسانی کشور به حساب می‌آید که سقف بلند رشد و توسعه و عظمت اسلامی ایرانی بر آن استوار است. از سوی دیگر، تغییرات روزافزون فناوری و اطلاعات ابعاد مختلف جامعه‌ی بشری را متحول ساخته است؛ که مهم‌ترین بعد آن آموزش و پرورش است که تربیت‌کننده افرادی با فضایل اخلاقی، اجتماعی، نیکو، دارای روحیه علمی و متفکر و خلاق است (جهانیان، ۱۳۸۸). آموزش و پرورش در تولید سرمایه انسانی نقش اساسی ایفا می‌کند، با تعلیم دادن افراد موجب ایجاد تحرک اجتماعی و سیاسی در آنها می‌شود و در سطح کلان آموزش و پرورش منجر به تامین رفاه افراد و برقراری عدالت و برابری فرصت‌ها<sup>۱</sup> می‌شود (نیبلت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). یکی از مهمترین زمینه‌های تحقق عدالت و برابری فرصت‌ها، در حوزه آموزش و پرورش، یادگیری می‌باشد (رابرتسون و والکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸).

منظور از فرصت برابر یادگیری<sup>۴</sup>، جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت و نژاد و وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی است (بنت و یدل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از شهابلو، ۱۳۹۷). در جوامع مدرن، نظریه فرصت‌های برابر یادگیری ریشه در نظرات راولز<sup>۶</sup> (۱۹۷۱) دارد. طبق نظر راولز سه اصل آزادی، برابری و عدالت در فرصت‌ها در زمینه سیستم‌های آموزشی و یادگیری عبارتند از: فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای افراد واجد شرایط؛ فراهم آوردن حداقل میزان آموزش هر فرد و ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه‌های محروم که می‌توانند تاثیر شکاف طبقاتی<sup>۷</sup> را در عملکرد مدارس کم کنند (راولز، ۱۹۷۱؛ به نقل از سامری، ۱۳۹۳). شواهد نشان می‌دهد، در برخی جوامع نظام آموزشی به جای گسترش فرصت‌های برابر یادگیری به تداوم نابرابری‌های اجتماعی موجود در میان طبقات منجر می‌شود.

در حال حاضر آموزش همگانی رایگان تا ده سال و بیشتر برای کودکان الزامی شده است ولی با وجود افزایش جهش در فرصت‌های برابر یادگیری، نابرابری در بهره‌گیری از آنها هنوز با برجاست و گروهی از نابرابری‌ها بین افراد جامعه تأثیر ژرفی بر دستاوردهای شغلی می‌گذارد و به دنبال آن شکاف طبقاتی در جامعه عمیق‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد نظام حاکم در جامعه موظف است نظام آموزشی مناسبی را ارائه دهد به طوری که همه افراد جامعه بتوانند استعدادهای خود را بروز دهند اما این امر به درستی تحقق نیافته است (رافتی؛ شهرکی پور و فتاح، ۱۳۹۷). در تحقیقات داخلی و خارجی بسیاری سطح معیشت خانواده و شکاف طبقاتی؛ فناوری اطلاعات (شریف‌زاده، صالحی عمران و جوانمرد، ۱۳۹۳)، طبقه اجتماعی (جلالی، ۱۳۸۶) و پایگاه و منزلت اجتماعی (کومار<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷؛ جاستاس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴؛ هیم و شاولیت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳) به عنوان عامل اساسی اثرگذار بر عدم فرصت‌های برابر یادگیری معرفی شده است. به طوریکه دانش‌آموزانی که از خانواده دو دهک پایین هستند، دو برابر بیشتر از خانواده‌های دو دهک بالای جامعه، احتمال ترک تحصیل دارند (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱) و در برخی پژوهش‌ها دیگر نیز به مساله فرهنگی و

۱. Justice and Equality of Opportunities

۲. Niblett

۳. Robertson & Walker

۴. Equal opportunity for learning

۵. Bennet & Yeadle,

۶. Rawls

۷. Gap class

۸. Kumar Et Al

۹. Justus

۱۰. Haim & Shavit

بعد شکاف و فاصله طبقاتی در فرصت‌های برابر اشاره شده است (کومار، ۲۰۱۸). همچنین در برخی پژوهش‌ها نیز به عوامل مربوط به نظام آموزشی و تبعیض در توزیع امکانات و منابع و نیروی انسانی (عارف نژاد، ۱۳۹۵) و همچنین عدم آموزش حرفه‌ای معلمان (شاپیرا لیچینسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) اشاره شده است.

فرصت‌های برابر برای یادگرفتن در گرو کیفیت‌های عناصرهای مداخله‌گر در امر آموزش است. اگر نگاه سیستمی به قضیه تحقق فرصت‌های برابر یادگیری داشته باشیم؛ این‌گونه طرح موضوع کنیم که اگر گام اول را درست برداشتیم و همه دسترسی به آموزش پیدا کردند (در معنای کمی عدالت آموزشی)، آیا به این معناست که همه آدم‌ها به یک اندازه یا همه کودکان به یک اندازه امکان یادگرفتن هم دارند؟ (معنای کیفی عدالت آموزشی). یک موضوع به تفاوت‌های فردی افراد باز می‌گردد که این تفاوت‌های فردی خلقت خدادادی است و کسی نمی‌تواند آن‌ها را انکار کند، اما جدای از تفاوت‌های فردی کودکان، آیا موضوعات دیگری وجود دارد که سبب شود عده‌ای از کودکان، فرصت بهتری برای یادگیری داشته باشند و عده‌ای از کودکان فرصت کمتری برای یادگیری داشته باشند؟ به صورت خاص کیفیت عناصر دخیل در آموزش خصوصاً کیفیت معلم، کیفیت فضای آموزشی، برنامه‌های درسی و زمان آموزش چهار عاملی هستند که به شدت بر کیفیت فرصت یادگیری برابر اثر می‌گذارند و آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند.

قانون برنامه پنجم توسعه مشتمل بر ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. این قانون در راستای بند (۸) سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و باهدف ارتقای کیفی در سه حوزه دانش، بینش و مهارت و تربیت اسلامی به‌طور مشخص تکالیفی را برای آموزش و پرورش در قالب مواد (۱۹)، (۲۲) و (۲۳) معین کرده است. ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه کلیه وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی را موظف می‌کند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب بسته اجرایی برنامه ظرف مدت ۷ ماه تدوین و جهت تصویب به هیئت‌وزیران ارائه نمایند. در تبصره ماده مذکور نیز بسته اجرایی مجموعه‌ای از چندین پروژه به‌هم‌پیوسته و یا خوشه‌هایی از پروژه‌های متجانس و به هم مرتبط اولویت‌دار که به‌منظور حل یک مشکل اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی در چارچوب اهداف برنامه به اجرا درمی‌آید تعریف شده است. عمده‌ترین مواردی که در این برنامه مورد تأکید قرار گرفته عبارت‌اند از:

تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی جهت کسب شایستگی‌های موردنیاز فردی

هدایت تحصیلی بر اساس علائق و ویژگی‌های دانش‌آموزان

اصلاح نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

بسترسازی مناسب برای کسب حداقل یک شایستگی و مهارت با توجه به نیاز بازار کار

استقرار نظام تأمین کیفیت جهت پایش، ارزشیابی، اصلاح و افزایش بهره‌وری

سنجش و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی موجود و موردنیاز آموزش و پرورش بر اساس شاخص‌های آموزشی

و پرورشی

ارائه نظام جامع آموزش قرآن

به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرآیندها جهت تحقق عدالت آموزشی.

در اجرای ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه پنج بسته اجرایی با عناوین:

۱-۲-۵. ایجاد فرصت‌های عادلانه برای دسترسی به آموزش و پرورش

۲-۲-۵. ارتقای کیفیت آموزشی

۳-۲-۵. توسعه امور پرورشی، تربیت بدنی و سلامت دانش آموزان

۴-۲-۵. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش

۵-۲-۵. تأمین، تربیت، بهسازی و اعتلای منابع انسانی

تدوین و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه شد که در نهایت بسته اجرایی وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۹۱ به تصویب هیئت وزیران رسید و جهت اجرا ابلاغ گردید. با توجه به متن قانونی و نیز بسته اجرایی مصوب می‌توان گفت که راهبردهای آموزش و پرورش در برنامه پنجم توسعه عبارت‌اند از:

- گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی

- برقراری نظام اثربخش کارآمد مدیریت منابع انسانی

- بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

- ارتقای اثربخشی و افزایش کارآیی در نظام آموزش و پرورش

- افزایش کیفیت در نظام آموزشی کشور.

بر اساس ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه، می‌بایست تمامی نهادهای ذی ربط به ویژه نظام آموزشی به تحقق فرصت‌های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی عزمی راسخ داشته باشند.

اما فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه چند صباحی است که در سطح کلانشهرها روز به روز ملموس تر می‌شود. از یکسو خانواده‌هایی هستند که توانایی فرستادن فرزندان خود را به مدرسه ندارند اما از سوی دیگر مشاهده می‌شود که بهترین کادر آموزشی در اختیار دانش آموزانی است که والدینشان با پرداخت هزینه‌های گزاف و معادل درآمد یک سال و حتی بیشتر خانواده‌های طبقات ضعیف جامعه را صرف شهریه مدرسه فرزندان‌شان می‌کنند. باید عنوان کرد که گاهی تلاش والدین برای شکوفایی استعداد فرزندان‌شان نتایج مخربی را به دنبال خواهد داشت و باعث تضعیف روحیه فرزندان می‌شود به عنوان مثال کودکانی که در مناطق محروم و محلات فقیرنشین شهر ساکن هستند از سطح امکانات به مراتب پایین تری برخوردارند. نظام آموزشی که زمانی قرار بود با آموزش‌های صحیح از هرگونه فاصله طبقاتی بپرهیزد و راه را برای بروزی عدالتی در جامعه ببندد و به دانش آموزان بیاموزد که منشاء تمامی مشکلات ریشه در نظام آموزشی نادرست و غیر اصولی دارد که از هرگونه چهارچوبی محروم است اما متأسفانه امروزه نظام آموزشی در زمینه فرصت‌های برابر نه تنها عقب مانده است، بلکه حتی در برخی موارد به نابرابریهای اجتماعی نیز و فزونی دادن به فاصله طبقاتی دامن می‌زند (جلالی، ۱۳۸۶).

اندکی تأمل در این خصوص، اهمیت و ضرورت فرصت‌های برابر یادگیری را روشن می‌کند، سرمایه‌های مادی مانند ساختمانها و دستگاهها و ماشین آلات، در طول زمان مستهلک شده، از بین می‌روند و به همین جهت اطلاق سرمایه به آنها تنها در مدتی کوتاه که عمر آنهاست، مصداق دارد، در حالی که منابع انسانی آموزش دیده و متعهد در عین حالی که اساسی‌ترین عامل ایجاد خودکفایی است، سرمایه‌ای است که عمر بیشتری دارد و در طول زمان نه تنها مستهلک نمی‌شود، بلکه بارورتر شده و اطلاعات و کاردانی خود را در صورت وجود سیستم‌های صحیح و زمینه سازی لازم در سطح جامعه، بخصوص در عرصه‌های تولید به افراد دیگر منتقل می‌کنند و در واقع سرمایه ساز می‌گردند.

در سند قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه آمده است «گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی، و...» اما، آیا

پرورش یافته آموزش و پرورش ایران واجد چنین مشخصه‌ای است؟

سالیان متمادی است که به تعلیم و تربیت کشور توجه نشده و یا برنامه‌های گسترش همه‌جانبه عدالت آموزشی و برقراری فرصت برابر یادگیری نتوانسته‌اند خلاءهای موجود را برطرف نمایند رفته رفته این شکاف بیشتر و بیشتر شده، لذا مبرهن است که دستگاه تعلیم و تربیت تاکنون توجهی به نیازهای جامعه و یا ایجاد نیازهای ضروری جامعه ننموده است.

پژوهش حاضر از این جهت که برای توسعه ادبیات راهبردی حوزه مطالعه در آموزش و پرورش صورت پذیرفته و محصول آن برای بهبود وضعیت در حوزه مدیریت راهبردی در برنامه ریزی های آموزشی در فراسوی کلان و کلان برنامه های توسعه پنجساله و سالانه آموزش و پرورش به کار گرفته می شود از نوع توسعه ای و به جهت تولید ادبیات علمی در حوزه مذکور بنیادی محسوب می شود.

از اینرو در پژوهش حاضر سوال اصلی این خواهد بود که آیا فرصت‌های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور تحقق یافته است؟

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی است. این پژوهش، با توجه به ماهیت در موضوع مورد مطالعه در بخش کیفی، به مطالعه‌ای کیفی با رویکرد آمیک نیاز است. در رویکرد آمیک، که یکی از مفاهیم بنیادی در روش‌شناسی کیفی به شمار می‌رود، سعی بر این است تا به معنای درک، تفسیر و بازنمایی پدیده یا موضوع مورد بررسی «از نقطه نظرات افراد درگیر» با آن پرداخته شود. انتخاب شرکت کنندگان در پژوهش به روش ملاکی و مبتنی بر چهار ملاک الف) برخوردار از سابقه کار و فعالیت اداری در رشته هاس شغلی برنامه ریزی در آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه ب) علاقه‌مندی به شرکت در فرایند مصاحبه، ج) انتخاب از رشته‌های مختلف و سطوح مدیریت متفاوت د) انتخاب از هر دو گروه زنان و مردان، بود. هدف استفاده از این راهبرد، دستیابی به توصیفی از تجارب، نگرش‌ها و ادراک شرکت کنندگان درباره شناسایی فرصت‌های برابر یادگیری و میزان تحقق آنها در قانون برنامه پنجساله توسعه پنجم بود.

بنابراین می‌توان بیان کرد با استفاده از روش تحقیق کیفی و الگوی استقرایی و انجام مصاحبه‌های عمیق، مفهوم (اجزا)، عناصر و مقوله‌های فرصت‌های برابر در برنامه توسعه شناسایی شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی عبارت بودند از متخصصان، کارشناسان، سیاست‌گذاران و مسئولان اجرایی وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران و سازمان برنامه و بودجه کشور. با توجه به هدف اصلی از روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره ای استفاده شده است. این تعداد شامل ۱۵ نفر بوده است که علت آن رسیدن به اشباع اطلاعات بود. در مرحله اول به منظور یافتن مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی فرصت‌های برابر یادگیری در داده‌های مورد رجوع تحقیق از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد و با شناسایی مفاهیم در این مرحله ۱۲۰ مورد از گزاره‌های اساسی مرتبط با فرصت‌های برابر در آموزش و پرورش شناسایی شده و پس از سازماندهی، کدگذاری شدند. نمونه‌ای از این کدگذاری‌ها در جداول ۱ و ۲ آورده شده است. در مرحله بعدی برای انجام کدگذاری‌ها محوری و گزینشی به منظور تعیین اهم مضامین و مؤلفه‌های راهبردی در خصوص فرصت‌های برابر یادگیری و میزان تحقق آنها در قانون برنامه توسعه از روش داده بنیاد بهره‌گیری شد.

ابزار سنجش پژوهش حاضر را یک فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته با ده سوال اصلی تشکیل داد. روایی این مصاحبه بر اساس روایی صوری و محتوایی با بهره‌گیری از نظرات ۵ تن از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مربوطه مورد تایید قرار گرفته است. در خصوص پایایی ابزار نیز قابلیت تایید یا به عبارتی تاییدپذیری بهره‌گرفته شده است. در این راستا یک فرد متخصص داده‌های

خام به دست آمده را تایید نموده است. در واقع تاییدپذیری به معنای کوشش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است؛ هرچند این مفهوم در پژوهش‌های کمی به معنای پرهیز محقق از تأثیر سوگیری‌ها و ارزش داوری‌ها در تحقیق است. یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش استقرایی و تحلیل محتوا<sup>۱</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## یافته‌ها

**الف) کدگذاری باز:** یکی از مراحل مهم روش این پژوهش، کدگذاری و شناسایی همه کدهای اشاره شده در متن (مصاحبه) است. در کدگذاری اولیه موضوع بندی (۳۰ کد به دست آمد) و عاملی شدن و عاملی کردن کدها مدنظر نیست بلکه انباشت و بررسی همه آرا و اشاره‌هایی هدف اصلی پژوهش است.

بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، فرصت‌های برابر یادگیری در قانون برنامه توسعه پنجساله پنجم را می‌توان در چهار مقوله شامل تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف، رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف، توزیع نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف و منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف دسته‌بندی کرد که در ادامه به تفکیک توضیح داده می‌شوند.

### ۱- تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف:

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری بر اساس قسمتی از یکی از مصاحبه‌های منتخب

نقل قول از مصاحبه با کد ۱۵

مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ معتقد است: «بارزترین هدف و پیامد ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه، عینی و ملموس‌تر کردن اهداف مفاد برنامه و اجرای آن است که در عمل ما شاهد تفاوت‌های زیادی بین برنامه و اجرای آن هستیم نسبت به آنچه در اجرا می‌بینیم، فرصت‌های برابر یادگیری بر اساس مناطق مختلف بر اساس طبقات مختلف جامعه به طور کامل تحقق نیافته است».

کد محوری:	کد باز:
ناکارآمدی در تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف	فرصت‌های برابر یادگیری بر اساس مناطق مختلف بر اساس طبقات مختلف جامعه به طور کامل تحقق نیافته است و نیازمند نیروی انسانی کارآمد است

### ۲- رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری بر اساس قسمتی از یکی از مصاحبه‌های منتخب

نقل قول از مصاحبه با کد ۷

مشارکت کنند شماره ۷ بیان داشتند، «مطمئناً برای اینکه قانون برنامه در ارتباط با فرصتهای برابر یادگیری در آموزش و پرورش محقق شود، لازم است نسبت دانش آموز به معلم در مناطق کمتر برخوردار به لحاظ کمیت و کیفیت متعادل شده و به

۱. تحلیل محتوا فنی برای استخراج داده‌ها از متن است.

استانداردهای مناسب در این زمینه نزدیک تر باشد، این مهم در بیشتر استان‌های کشور و مناطق محروم بسیار بالاتر از حد استاندارد است.»

کد محوری:	کدباز:
ناکارآمدی در رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف	نسبت دانش آموز به معلم در مناطق کمتر برخوردار به لحاظ کمیت و کیفیت بسیار بالاتر از حد استاندارد است.

### ۳- توزیع نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری بر اساس قسمتی از یکی از مصاحبه‌های منتخب

نقل قول از مصاحبه با کد ۱۱-۳-۱۲

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ معتقدند؛ «توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده بدون توجه به منطقه انجام شده است و شکاف طبقاتی و تبعیض کاملاً مشهود است همچنین مصاحبه شونده دیگر بر عدم نظارت آموزش و پرورش بر توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده و مدیران مجرب اشاره می‌کند. غیر از آن نحوه تعامل با همکاران و دیگر معلمان نیز در این برنامه از اهمیت بسیاری برخوردار است.»

کد محوری:	کدباز:
ناکارآمدی در توزیع نامساوی نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف	توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده بدون توجه به منطقه

### ۴- منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف

مصاحبه‌شونده شماره ۳ نیز معتقد است: کمتر برنامه‌ای بدون پشتوانه مالی و تخصیص منابع مالی و امکانات لازم، در عمل موفق می‌شود، فرایندهای تخصیص داده شده به این فرایند فرصت‌های برابر یادگیری در آموزش و پرورش (منابع مالی)، ناکارآمد می‌باشد.»

کد محوری:	کدباز:
ناکارآمدی در منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف	مکانیزم توزیع منابع مالی تخصیص داده شده نامناسب و در برخی موارد ناعادلانه می‌باشد.

جدول ۱. کدگذاری باز (مفهوم ها، خرده مقوله ها و مقوله ها)

کدها	مفهوم ها	خرده مقوله ها	مقوله ها
۱.	فرصت های برابر یادگیری بر اساس مناطق مختلف بر اساس طبقات مختلف جامعه به طور کامل تحقق نیافته است و نیازمند نیروی انسانی کارآمد است.	کمبود معلمان در مناطق کم برخوردار	ناکارآمدی در تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف
۲.	تربیت معلمان در دو بخش تربیت معلمان مورد نیاز و تربیت معلمان از طریق بازآموزی خیلی پاسخگویی نیازهای آموزشی نیست و این مساله در مناطق کم برخوردار بیشتر است.		
۳.	جذب و بکارگیری معلمان و مدیران توانمند می تواند کمک کننده باشد چرا که آنها می توانند با مهارت خود از کمترین امکانات بیشترین بهره را ببرند اما این مهم در مناطق جنوبی کمتر دیده می شود.	ناکارآمدی جذب و بکارگیری معلمان و مدیران توانمند	
۴.	نسبت دانش آموز به معلم در مناطق کمتر برخوردار به لحاظ کمیت بسیار بالاتر از حد استاندارد است.	حجم بالای دانش آموزان، محدودیت فضا	ناکارآمدی در رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف
۵.	در مناطق کم برخوردار کلاس های ۵۰ نفره وجود دارد.		
۶.	استاندارد مربوط به نسبت دانش آموز به معلم به لحاظ کمیت به دلیل کمبود نیروی انسانی در مناطق کم برخوردار رعایت نمی شود.		
۷.	امکانات کمی در مدارس کم برخوردار وجود دارد و تبعیض چشمگیری میان مناطق مرفه و محروم شهر تهران مشاهده می شود.	کمبود امکانات مدارس کم برخوردار	
۸.	آمار دانش آموزان مدارس جنوبی و کم برخوردار شهر تهران بالاست و همواره با کمبود فضا و امکانات مواجه هستیم.		
۹.	بعضی از مناطق وضعیت بهتری دارند به طور مثال مرکز تهران یا مناطق جنوبی این استاندارد کمتر رعایت می شود اما مناطق شمالی مثل مناطق ۱، ۲ و ۳ وضعیت بهتری دارند.		
۱۰.	ساختمان های استاندارد وجود ندارد مثل منطقه ۱۰ و ۱۷.	وجود ساختمان ها	
۱۱.	ساختمان های غیراستاندارد بسیاری در مناطق کم برخوردار وجود دارد.	وفضای غیراستاندارد	
۱۲.	مدارسی وجود دارد که حیاط استاندارد ندارد و فضا کوچک است.		
۱۳.	در شهر تهران توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده به صورت مساوی اتفاق نیفتاده است و در مناطق کم برخوردار این مساله بیشتر به چشم می خورد.	عدم سازوکار مناسب و کنترل توزیع مناسب در نظام آموزشی	ناکارآمدی در توزیع نامساوی نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف
۱۴.	توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده بدون توجه به منطقه انجام شده است و شکاف طبقاتی و تبعیض کاملاً مشهود است.		
۱۵.	سازوکار مناسبی برای توزیع مناسب نیروی انسانی اتخاذ نشده است.		
۱۶.	توزیع هدفمند نیروی انسانی تحصیل کرده و مدیران مجرب اجرا نمی شود و فقط بر اساس تامین نیاز نیست و بنابراین این نابرابری در مناطق برخوردار و کمتر برخوردار وجود دارد.		
۱۷.	آموزش و پرورش کنترلی بر توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده و مدیران مجرب ندارد.		
۱۸.	معلمانی که مدرک پایین تر دارند در مناطق جنوبی بیشتر هستند.	جذب معلمان تازه	
۱۹.	معلمان و مدیران در جذب ابتدایی، بیشتر به مناطق جنوبی می روند و کم برخوردار می روند.	کار در مناطق ضعیف تر و جنوبی	
۲۰.	معلمان جوان تر و کم تجربه تر بیشتر در مناطق جنوبی و کم برخوردار هستند و معلمان باتجربه تر در مناطق مرفه تر بیشترند.		



	تمایل فردی معلمان و مدیران با تجربه تر به اشتغال در مناطق مرفه	ممکن است در منطقه ای به ویژه مناطق شمالی تعداد کسانی که تحصیل کرده هستند بیشتر باشد یعنی معلمان و مدیران خود خواسته به تحصیل روی می آورند و این مساله به شکاف طبقاتی دامن می زند.	۲۱.
		بیشتر معلمان و مدیران توانمند به مناطق شمالی و مرفه گرایش دارند.	۲۲.
		معلمان و مدیران بعد از چند سال به صورت فردی تمایل به انتقال به مناطق بالاتر و مرفه تر دارند.	۲۳.
ناکارآمدی در منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف	ناکارآمدی منابع مالی تخصیص داده شده	فرایندهای تخصیص داده شده به این فرایند (منابع مالی)، ناکارآمد می باشد.	۲۴.
		بیشتر در زمینه منابع مالی تخصیص داده شده کمک های مردمی و اولیای دانش آموزان مدنظر قرار می گیرد.	۲۵.
	ناعادلانه بودن مکانیزم توزیع منابع مالی تخصیص داده شده	سرانه دانش آموزی مناطق یکی است توزیع عادلانه است اما اصل بودجه کم است و توزیع این منابع مالی در مناطق مختلف یکسان است.	۲۶.
		برخی مناطق درآمد اختصاصی دارند از این حیث منابع مالی بهتری دارند و نیاز کمتری به سرانه دارند و این مساله در مناطق کم برخوردار کمتر است.	۲۷.
		بودجه بیشتر مربوط به حقوق نیروی انسانی مربوط است.	۲۸.
		دانش آموزان بیشتر در جنوب شهر هستند اما تعداد معلمان در شمال شهر بیشتر است بنابراین بودجه آپ بیشتر به شمال شهر اختصاص می یابد چراکه معلمان بیشتری در شمال تهران وجود دارد.	۲۹.
	نامتناسب بودن منابع مالی تخصیص داده شده	دانش آموزان بیشتر در جنوب شهر هستند اما تعداد معلمان در شمال شهر بیشتر است بنابراین بودجه آپ بیشتر به شمال شهر اختصاص می یابد چراکه معلمان بیشتری در شمال تهران وجود دارد.	۳۰.

### ب) کدگذاری محوری

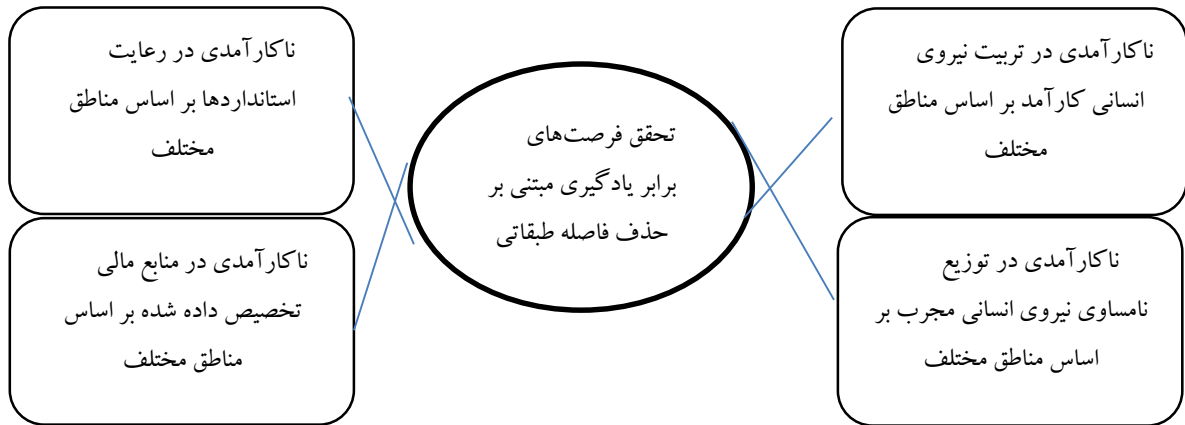
مقوله های اصلی و بعدهای شناخته شده در پژوهش حاضر در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. کدگذاری محوری (مقوله های اصلی و بعدهای شناخته شده)

مقوله های اصلی	بعدهای شناخته شده
۱. ناکارآمدی در تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف	کمبود معلمان در مناطق کم برخوردار ناکارآمدی جذب و بکارگیری معلمان و مدیران توانمند
۲. ناکارآمدی در رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف	حجم بالای دانش آموزان، محدودیت فضا کمبود امکانات مدارس کم برخوردار وجود ساختمان ها و فضای غیراستاندارد
۳. ناکارآمدی در توزیع نامساوی نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف	عدم سازوکار مناسب و کنترل توزیع مناسب در نظام آموزشی جذب معلمان تازه کار در مناطق ضعیف تر و جنوبی تمایل فردی معلمان و مدیران با تجربه تر به اشتغال در مناطق مرفه
۴. ناکارآمدی در منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف	ناکارآمدی منابع مالی تخصیص داده شده ناعادلانه بودن مکانیزم توزیع منابع مالی تخصیص داده شده نامتناسب بودن منابع مالی تخصیص داده شده

### ج) کدگذاری انتخابی

تفسیر و بیان رابطه ها میان مقوله اصلی و دیگر مقوله ها با توجه به مدل ارائه شده پژوهش صورت می گیرد. در این پژوهش مقوله های اصلی شناسایی شده در خصوص تحقق فرصت های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور در شکل ذیل نمایش داده شده است.



شکل ۱. کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)

### بحث و نتیجه گیری

آنچه در نگاه اول از نابرابری فرصت های یادگیری در آموزش و پرورش بر اساس ماده ۲۱۷ قانون برنامه توسعه چشمگیر است، توزیع نابرابر نیروی انسانی در مناطق مختلف کشور و تخصیص نامناسب منابع مالی و امکانات است. از آنجا که هدف اصلی از پژوهش حاضر بررسی میزان تحقق فرصت های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور بود. یافته ها نشان داد که در تربیت نیروی انسانی کارآمد بر اساس مناطق مختلف، ناکارآمدی در رعایت استانداردها بر اساس مناطق مختلف، ناکارآمدی در توزیع نامساوی نیروی انسانی مجرب بر اساس مناطق مختلف و ناکارآمدی در منابع مالی تخصیص داده شده بر اساس مناطق مختلف ناکارآمدی وجود دارد. از اینرو فرصت های برابر یادگیری مبتنی بر حذف فاصله طبقاتی بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور تحقق نیافته است. یافته های این پژوهش تا حدودی با یافته های پژوهش جلالی (۱۳۸۶) و شریف زاده و همکاران (۱۳۹۳) همسو می باشد. همچنین با یافته های پژوهش هیم و شویت<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) همسو می باشد. که بر اساس آن پژوهشگران مذکور پژوهشی تحت عنوان «تحلیل رابطه نابرابری طبقاتی و نابرابری های آموزشی و فرصت های برابر آموزشی در استان مازندران» انجام داده اند. که بر اساس آن در برخی از مناطق کشور همچنان فاصله طبقاتی در آموزش و پرورش و نابرابری فرصت های آموزشی مشاهده می شود که میتوان به عدم توزیع مناسب منابع مالی و امکانات و نیروی انسانی اشاره کرد.

بر اساس یافته های این پژوهش نیز فرصت های برابر یادگیری بر اساس مناطق مختلف بر اساس طبقات مختلف جامعه به طور کامل تحقق نیافته است و نیازمند نیروی انسانی کارآمد است. تربیت معلمان پاسخگوی نیازهای آموزشی نیست و این مساله در مناطق کم برخوردار بیشتر است. نسبت دانش آموز به معلم در مناطق کمتر برخوردار به لحاظ کمیت بسیار بالاتر از حد استاندارد است. امکانات کمی در مدارس کم برخوردار وجود دارد و تبعیض چشمگیری میان مناطق مرفه و محروم شهر تهران مشاهده می

<sup>۱</sup> . Haim & Shavit

شود. ساختمان‌های غیراستاندارد بسیاری در مناطق کم‌برخوردار وجود دارد. در شهر تهران توزیع مساوی نیروی انسانی تحصیل کرده به صورت مساوی اتفاق نیفتاده است و در مناطق کم‌برخوردار این مساله بیشتر به چشم می‌خورد و در نهایت اینکه فرایندهای تخصیص داده شده به این فرایند (منابع مالی)، ناکارآمد می‌باشد و به نظر می‌رسد تمامی این موارد می‌تواند خود چرخه فاصله طبقاتی را شدت ببخشد.

باید عنوان کرد که بسیاری از مدارس در مناطق کم‌برخوردار شهر تهران که امروزه در زیر سیطره دولت قرار گرفته‌اند فاقد نیروی انسانی تربیت یافته و مطلوب هستند. فاقد امکانات مناسب و استاندارد در زمینه آموزشی هستند. کودکان جنوب شهری که در مدارس مستهلک و غیر استاندارد که سطح آموزشی پایینی دارد مشغول تحصیل هستند. ساختمانهای کهنه و مستضعف در زمینه آموزشی، گهواره دانش کودکان طبقات ضعیف است. این در حالی می‌باشد که کلاسهای پرجمعیت، فاقد امکانات کافی و کادر آموزشی بی‌تجربه از دیگر خصوصیات این مدارس است.

همانگونه که از مباحث مطرح شده برمی‌آید، فرصت‌های برابر یادگیری به منظور حذف فاصله طبقاتی یکی از پرچالش‌ترین مباحث در آموزش است و یکی از شرایط اساسی و مهم برای یک جامعه متعالی و پویا و توسعه یافته دستیابی به فرصت‌های برابر یادگیری، هم به معنای عام آن و هم به معنای خاص آن است؛ زیرا فرصت‌های برابر یادگیری است که زمینه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و حذف فاصله و شکاف طبقاتی فراهم می‌کند. اگر جامعه‌ای نتواند فرصت‌های برابر یادگیری را تعمیم دهد قطعاً شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی زیاد خواهد شد و نارضایتی و نابهنجاری در سیستم به وجود خواهد آمد؛ بنابراین هرچه این پدیده بیشتر تعمیم پیدا کند و برای گسترش و بسط آن هم‌اندیشی شود، بدیهی است که به پایداری جامعه کمک نموده و از طرفی دیگر جامعه در مسیر پیشرفت و توسعه گام خواهد برداشت.

برای این مهم دولت باید امکانات و تسهیلات آموزشی پایه را در سطحی قابل قبول برای همه کودکان، فارغ از طبقه اجتماعی فراهم کند. دولت موظف است سطحی پایه و اولیه از خدمات آموزشی را در دسترس همه کودکان جامعه، فارغ از هر عاملی که ممکن است میان آنان تفاوت ایجاد کند، قرار دهد. این سطح و حد پایه باید چنان باشد که غنای زندگی فردی و جمعی کودکان را در آینده تضمین کند. وجود چنین سطح پایه و همگانی آموزش تضمین‌کننده نوعی عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی میان اقشار جامعه خواهد بود.

## منابع

۱. اقدسی، علی نقی؛ زینال فام، افسانه (۱۳۹۱). عوامل و محیطی و اجتماعی موثر در تحصیل ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان های در شهرستان میاندوآب، فصلنامه علوم تربیتی، ۵(۱۷)، ۱۳۰-۱۱۳.
۲. جهانیان، رمضان. (۱۳۸۸). راهکارهای بهینه سازی برنامه ریزی نیروی انسانی آموزش و پرورش شهر تهران. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی، شماره ۲۴، ص ۸۴-۶۱.
۳. جلالی، محمدرضا. (۱۳۸۶). تحلیل رابطه نابرابری های طبقاتی و نابرابری های آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۳(۳)، ۵۵-۱۵.
۴. رفتی، رضا؛ شهرکی پور، حسن و ناظم، فتاح. (۱۳۹۷). شناسایی ابعاد و مولفه های نابرابری های آموزشی از دیدگاه مدیران آموزشی و دانش آموزان مناطق آموزشی شهر مشهد به منظور ارائه مدل مدیریتی مطلوب. تحقیقات مدیریت آموزشی. ۹(۴): ۱۵۰-۱۲۱.
۵. سامری، مریم. (۱۳۹۳). مدل سازی کاهش نابرابری های آموزشی مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی به منظور نیل به توسعه پایدار آموزشی. پایان نامه دکتری دانشگاه ارومیه.
۶. شهابلو، سیدکمال. (۱۳۹۷). نقش مجلات رشد در توسعه عدالت آموزشی. سالنامه رشد. ۱۲، ۹۱-۸۶.
۷. شریف زاده، حکیمه السادت؛ صالحی عمران، ابراهیم و جوانمرد، اعظم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه فناوری اطلاعات و فرصت های برابر آموزشی در استان مازندران، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۳(۶)، ۳۱-۵۳.
۸. عارف نژاد، وحید. (۱۳۹۵). بررسی موانع و شیوه های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری (یک تحقیق آمیخته)، مرکز پژوهش تعلیم و تربیت کاربردی تبریز، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۹. سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۶). گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات
۱۰. Andrei Tudorel., Daniel Teodorescu., Bogdan Oancea. (۲۰۱۲). Quantitative methods used to identify the causes of school dropout in EU countries. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۳۱, ۱۸۸ - ۱۹۲.
۱۱. Day, A., Riebschleger, J., Dworsky, A., Damashek, A. (۲۰۱۲). Maximizing educational opportunities for youth aging out of foster care by engaging youth voices in a partnership for social change. *Children and Youth Services Review*. ۳۴(۵), ۱۰۰۷-۱۰۱۴.
۱۲. Haim, E.B & Shavit, Y. (۲۰۱۲). Expansion and inequality of educational opportunity: A comparative study. *Research in Social Stratification and Mobility*. ۳۱, ۲۲-۳۱.
۱۳. Itthidaa, Gngangnovong. (۲۰۱۵). Progressive Promotion": - Dropout Issue in Lao Primary Education and the Misplaced Policy. ۷th World Conference on Educational Sciences, (WCES-۲۰۱۵), ۰۵-۰۷ February ۲۰۱۵, Novotel Athens Convention Center, Athens, Greece. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. ۱۹۷, ۲۳۵۵ - ۲۳۶۱.

۱۴. Justus, (۲۰۱۵). *Reasons – Why children in India drop out of school and become child labourers*, available in <http://www.wvi.org/asia-pacific/article>.
۱۵. Kumar, A. (۲۰۱۸). Justice and politics in energy access for education, livelihoods and health: How socio-cultural processes mediate the winners and losers. *Energy Research & Social Science*. ۴۰. ۳-۱۳.
۱۶. Kumar, M. (۲۰۱۷). Literature Survey on Educational Dropout Prediction. Prof. A.J. Singh Disha Handa. *Education and Management Engineering*, ۲, ۸-۱۹.
۱۷. Niblett, B. (۲۰۱۷). *Social And Environmental Justice In Classroom Practice To Promote Achievement, Equity, And Well-Being*. Available At: [Http://Www.Edu.Gov.On.Ca/Eng/Literacynumeracy/Inspire/Research/Ww\\_Facilitating\\_Activist\\_Education.Pdf](Http://Www.Edu.Gov.On.Ca/Eng/Literacynumeracy/Inspire/Research/Ww_Facilitating_Activist_Education.Pdf).
۱۸. Robertson, A.A. & Walker, C.S. (۲۰۱۸). Predictors Of Justice System Involvement: Maltreatment And Education. *Child Abuse & Neglect*. ۷۶, ۴۰۸-۴۱۵.
۱۹. Shapira Lishchinsky, O. (۲۰۱۶). From Ethical Reasoning To Teacher Education For Social Justice. *Teaching & Teacher Education*. ۶۰. ۲۴۵-۲۵۵.

